

گمشده‌ای به نام حق شهر و ندی‌سال‌مندان

سال 1410 «بحران سالمندی» در ایران
آغاز میشود و هنوز هیچ زیرساختی
فراهم نیست

تعداد فقرای سالمند در ایران
رو به افزایش است

بنفشه سام‌گیس

طبق هشدارهای اخیر کارشناسان حوزه جمعیت، هم‌اکنون تعداد جمعیت سالمندان ایران از 10 درصد جمعیت کشور فراتر رفته و از سال 1410 و حدود 8 سال بعد، «بحران سالمندی» در ایران آغاز میشود و تا سال 1430 و کمتر از 30 سال بعد، تعداد افراد بالای 65 سال در کشور، 30 درصد جمعیت و معادل 27 میلیون نفر است که ایران در آن زمان با «ابربحران سالمندی» مواجه خواهد شد.

حسام‌الدین علامه؛ سرپرست دبیرخانه شورای ملی سالمندان به تازگی اعلام کرد که براساس آمار سال ۱۴۰۰، تعداد سالمندان کل کشور 8 میلیون و ۸۶۳ هزار نفر (۱۰.۴۳ درصد کل جمعیت) است که از این تعداد، 4 میلیون و ۲۶۸ هزار نفر، مرد و 4 میلیون و ۵۹۵ هزار نفر، زن هستند. طبق گفته علامه، استان تهران با یک میلیون و 705 هزار نفر، استان خراسان‌رضوی با ۶۵۸ هزار نفر، استان اصفهان با ۶۴۲ هزار نفر و استان فارس با ۵۴۹ هزار سالمند، پیرترین استان‌ها بابت جمعیت سالمند ساکن در استان هستند اما استان گیلان با ۱۵.۱۹ درصد، استان مازندران با ۱۳.۲۶ درصد، استان تهران با ۱۲.۰۶ درصد و استان اصفهان با ۱۱.۹۱ درصد جمعیت سالمند به ازای کل جمعیت استان، سالمندترین استان‌های کشور به شمار می‌روند.

شهرداری تهران هم در برآوردی که در سال 1402 انجام داده، اعلام کرده که 11 الی 13 درصد جمعیت پایتخت، سالمند هستند اما در برخی

مناطق، تعداد جمعیت سالمندان به 16 الی 18 درصد هم می‌رسد. طبق این برآورد، مناطق يك، ۳ و ۶ با نرخ 16 الی 18 درصدی و مناطق 19، 21 و 22 با نرخ 11 الی 13 درصدی، بیشترین جمعیت سالمند شهر تهران را دارند و در فاصله سال‌های ۱۴۳۵ تا ۱۴۴۵ نرخ جمعیت سالمندان تهرانی به ۳۳ درصد خواهد رسید.

کارشناسان حوزه جمعیت این استدلال را دارند که دولت‌ها از دهه 1360، باید مانند کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه، زیرساخت‌های رفاهی، حمایتی، درمانی و اقتصادی برای ایام سالمندی زوج‌های جوان پیش‌بینی می‌کردند تا از «بحران سالمندی» در دهه اول قرن 15 شمسی پیشگیری کنند؛ بیمه پایه و تکمیلی، مستمری، مسکن، متخصص طب سالمندی، خدمات پیشگیری برای کاهش بار بیماری‌های دوره سالمندی، منابعی برای پوشش هزینه‌های درمان بیماری‌های ایام سالمندی، آموزش پرستار و مراقب برای سالمندان مجرد، افزایش تعداد آسایشگاه‌های سالمندان، پرداخت یارانه ویژه به خانواده‌های دارای سالمند، امکانات رفاهی برای ارتقای کیفیت زندگی و «به‌زیستی» سالمندان، مناسب‌سازی اماکن عمومی و شهری و روستایی... این‌ها، مهم‌ترین خدماتی است که باید از دهه 1360 در اولویت سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها قرار می‌گرفت تا بعد از 4 دهه، به کمیت متناسب با تعداد جمعیت هدف برسد که حالا، فراگیری این خدمات در مقابل تعداد سالمندان کشور در حد هیچ است و به همین دلیل، ابتلای ایران به پدیده «بحران سالمندی» اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به زعم کارشناسان جمعیت، امروز و برخلاف شعارهایی که دولت‌ها درباره «ضرورت تکریم سالمندان» سر می‌دهند، خدمات حیاتی مورد نیاز جمعیت سالمند کشور، تناسبی با نرخ رشد این جمعیت نداشته و طی دو دهه اخیر، مجموع پاسخگویی دولت‌ها به نیازهای سالمندان از صدور کارت بلیت مترو و اتوبوس رایگان یا نامگذاری يك میدان و کوچه و خیابان به اسم «سالمندان» فراتر نرفته و اگر فرد سالمند، در دوره جوانی خود شاغل نبوده یا در زمان اشتغال، تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی نبوده که امروز حقوق بازنشستگی دریافت کند و استقلال مالی مکفی داشته باشد یا در آن حد، مکتب نداشته که از ثمر اموال خود برای دوره کهولت بهره ببرد، به زیر خط فقر سقوط می‌کند. علاوه بر اینکه به دلیل فقدان ساختارهای رفاهی و حمایتی و درمانی، باقی عمر خود را در انزوای تحمیلی و با اختلالات روانی متعدد به دلیل از کارافتادگی و طرد اجتماعی سپری خواهد کرد.

نتایج مطالعاتی که طی دهه اخیر توسط کارشناسان حوزه اجتماعی انجام شده نشان می‌دهد که زندگی سالمندان ایران، کیفیت مطلوبی

نداشته و در سال‌های پیش رو هم به دلیل فقدان برنامه‌ریزی‌های بلندمدت در چشمانداز سیاست‌گذاری‌ها، به مراتب بدتر خواهد شد. طبق نتایج مطالعه‌ای که سارا امام‌قلی‌پور؛ استاد گروه مدیریت و اقتصاد سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران در پایان سال 1400 و با عنوان «ارزیابی سطح رفاه سالمندان در استان‌های ایران بر اساس شاخص‌های توسعه از دیدگاه اسلام» و با استناد به نتایج سرشماری سال 1395 انجام داده، با وجود آنکه نرخ رشد جمعیت بالای 65 سال در ایران در فاصله سال‌های 1366 تا 1396، بیش از 2 برابر متوسط جهانی بوده و از 3.11 درصد در سال 1366 به 6.18 درصد در سال 1396 رسیده، شرایط 32 درصد استان‌های کشور برای سالمندان، نامناسب بوده، شرایط 58 درصد استان‌ها برای فرد سالمند مناسب نبوده و فقط در 10 درصد استان‌های کشور، وضعیت سالمندان، مناسب ارزیابی شده علاوه بر اینکه استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان، نامناسب‌ترین شرایط و استان‌های تهران، گیلان و البرز، بهترین شرایط را برای سالمندان داشتند.

در این مطالعه 10 شاخص برای سنجش وضعیت استان محل سکونت سالمند مورد بررسی قرار گرفته که بر اساس نتایج به دست آمده، استان بوشهر بابت تعداد سالمندان دارای منزل شخصی و با شاخص 0.98 درصد، بهترین وضعیت و استان البرز با شاخص 0.80 درصد، بدترین وضعیت را داشته در حالی که در هیچ یک از 31 استان کشور، شاخص مالکیت منزل شخصی سالمندان به یک درصد هم نرسیده است. «درصد مواجهه با هزینه‌های کمرشکن سلامت» شاخص دیگری بوده که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته که فقط 0.91 درصد سالمندان استان خراسان جنوبی با هزینه‌های کمرشکن سلامت مواجه بوده‌اند در حالی که استان هرمزگان بابت این شاخص، بدترین وضعیت را در کل کشور داشته و 11.15 درصد سالمندان این استان، زیر بار هزینه‌های کمرشکن سلامت قرار داشتند. «درصد سالمندان در خانواده‌های دو نفره و بیشتر»، شاخص دیگری بوده که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته و بهترین وضعیت، مربوط به استان کهگیلویه و بویر احمد بوده که 90.79 درصد سالمندان این استان در خانواده‌های دو نفره و بیشتر زندگی می‌کردند اما بدترین وضعیت بابت این شاخص مربوط به استان خراسان جنوبی بوده که 80.02 درصد سالمندان این استان گفته‌اند با خانواده دو نفره یا بیشتر زندگی می‌کنند که البته پژوهشگر در نتیجه‌گیری مطالعه خود، از اینکه بالای 80 درصد سالمندان کشور در جمع اعضای خانواده و در کنار وابستگان خود به سر می‌برند ابراز خرسندی کرده و آن را نشانه‌ای از برقراری پیوستگی خانواده‌ها حتی در دوران گذار اجتماعی و موثر در ارتقای سلامت روان سالمند دانسته است. «تعداد سالمندان

فاقد بیمه» شاخص دیگر این مطالعه است که استان کهگیلویه و بویر احمد با نرخ 30.90 درصد، بدترین وضعیت و استان ایلام با نرخ 2.91 درصد، بهترین وضعیت را بین استان‌های کشور داشتند. «با سواد سالمندان» شاخص دیگر این مطالعه است که به استناد سرشماری سال 1395، بیشترین تعداد سالمندان باسواد با نرخ 71.48 درصد در استان تهران و کمترین تعداد با نرخ 20.42 درصد در استان سیستان و بلوچستان بوده‌اند. همچنین استان تهران با 5.36 درصد سالمندان دارای تحصیلات دانشگاهی، بهترین وضعیت و استان ایلام با 0.29 درصد، بدترین وضعیت را بین استان‌های کشور داشته‌اند. شاخص دیگر در این مطالعه، «نسبت حمایت از والدین» (به ازای هر 100 نفر جمعیت 15 تا 64 ساله، 7 نفر سالمند بالای 85 سال و نیازمند مراقبت) است که استان خراسان جنوبی با 7.27 درصد، بدترین وضعیت و استان البرز با 2.96 درصد، بهترین وضعیت را بابت این شاخص داشته‌اند. در شاخص «تعداد سالمندان بالای 65 سال حقوق‌بگیر» هم استان تهران با نرخ 72.70 درصد، بهترین وضعیت و استان خراسان جنوبی با 25.23 درصد بدترین وضعیت را در کشور داشته‌اند در حالی که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که حداقل نیمی از سالمندان کشور، حقوق یا مستمری بازنشستگی دریافت نمی‌کنند و فاقد استقلال مالی هستند. همچنین در شاخص «درصد سالمندان با درآمد کمتر از درآمد میانه کشور» وضعیت استان سیستان و بلوچستان با نرخ 95.10 درصد و استان مازندران با نرخ 57.20 درصد به ترتیب، بدترین و بهترین در کشور بوده در حالی که پژوهشگر تاکید دارد در تمام استان‌ها به‌طور میانگین بیش از 50 درصد سالمندان دارای درآمد کمتر از میانه درآمد کشور هستند. «تعداد سالمندان بیکار» شاخص دیگر در این مطالعه است که از این بابت هم استان‌های سیستان و بلوچستان، یزد و گیلان با نرخ 0.09 درصد و استان‌های البرز، قزوین، سمنان، تهران، خراسان جنوبی و هرمزگان با نرخ 0.01 درصد به ترتیب بدترین و بهترین وضعیت را داشته‌اند.

از دیگر نتایجی که تنزل کیفیت زندگی سالمندان کشور طی دهه اخیر را تایید می‌کند، گزارش‌های ادواری کمیته امداد درباره تعداد سالمندان تحت پوشش این نهاد حمایتی در سال‌های 1394، 1398 و 1402 است. سال 1394 تعداد سالمندان تحت پوشش کمیته امداد، یک میلیون و 442 هزار و 551 نفر و معادل 25 درصد جمعیت 5 میلیون و 770 هزار نفری سالمندان کشور بوده و سال 1398 تعداد جمعیت بالای 60 سال تحت پوشش، به یک میلیون و 643 هزار و 301 نفر (معادل 22 درصد جمعیت سالمندان کشور) افزایش یافته است. در این سال، طبق گفته مدیرکل حمایت‌های اجتماعی کمیته امداد، 976 هزار و 355 سالمند و معادل 60

درصد سالمندان تحت پوشش کمیته امداد، ساکن روستاها و 62 درصد و معادل یک میلیون و ۲۳ هزار و ۶۲۳ نفر، در گروه سنی ۶۰ تا ۷۴ ساله و دارای توانایی جسمانی بوده‌اند.

طبق آخرین آمار کمیته امداد، در سال 1402 تعداد سالمندان تحت پوشش کمیته امداد، یک میلیون و 630 هزار نفر اعلام شده که از این تعداد ۹۷۳ هزار نفر ساکن روستاها؛ ۶۵۷ هزار نفر ساکن شهرها و یک میلیون و ۳۴ هزار نفر، در سن ۶۰ تا ۷۴ سال و همچنین حدود ۶۳ درصد و معادل یک میلیون و ۳۲ هزار نفر از سالمندان تحت پوشش، زن و ۵۹۷ هزار نفر، مرد هستند.

«تحت پوشش» در فهرست واژگان کمیته امداد به معنای دریافت مستمری است. در حال حاضر رقم مستمری یک فرد تحت پوشش (صرف نظر از اینکه سالمند یا جوان باشد) حدود 750 هزار تومان است که با تجمیع یارانه معیشتی، این رقم به کمی بیش از یک میلیون تومان در ماه می‌رسد که معادل کمتر از یک دلار در روز و طبق تعریف بانک جهانی، مساوی با فقر مطلق است. سالمندانی که تحت پوشش کمیته امداد قرار می‌گیرند، در دوره جوانی و اشتغال، تحت پوشش بیمه نبوده‌اند، مکنتی نداشتند و از حمایتی هم برخوردار نشدند تا که در روزگار پیری، به جمع مستمری‌بگیران این نهاد حمایتی پیوسته‌اند. نکته مهم در آمار کمیته امداد، تعداد قابل توجه زنان سالمندی است که به دلیل تنگدستی به مددجوی کمیته امداد تبدیل شده‌اند و همچنین این اعداد نشان می‌دهد که نه تنها تشدید فقر و مشکلات معیشتی در سالمندانی که دچار از کارافتادگی نبوده‌اند هم، بر کیفیت زندگی این گروه سنی تاثیرات گسترده‌ای گذاشته تا حدی که ایشان را به ورطه «نیازمندی» سوق داده، ناتوانی مالی سالمندان در روستاها هم طی سال‌های اخیر شدت بیشتری پیدا کرده است. علاوه بر این، ناتوانی مالی سالمندان تحت پوشش کمیته امداد به دلیل رقم پایین مستمری‌ها و حمایت‌های ناچیز دولت‌ها، این گروه سنی را با مشکلات متعددی از جمله سوء تغذیه (به دلیل ناممکن بودن تهیه مواد غذایی مفید اما گران قیمت) گوشه‌گیری و دوری از اجتماع (به دلیل ناممکن بودن پرداخت هزینه اوقات فراغت و تفریحاتی همچون سفر و همچنین فراهم نشدن امکانات رایگان برای توانبخشی و گذران فراغت) ابتلا به اختلالات روانی برخاسته از فقر و انزوای اجتماعی (به دلیل وابستگی مالی به فرزندان، خانواده، اطرافیان و دولت) مواجه می‌کند که تاثیر مستقیم بر «به‌زیستی» این تعداد از سالمندان کشور خواهد داشت.

طبق آخرین گزارش وزارت بهداشت، با وجود پوشش 94 درصدی بیمه پایه در جمعیت سالمندان کشور، فقط حدود 31 درصد از جمعیت سالمند بیمه تکمیلی دارند در حالی که طبق برآورد کارشناسان حوزه سلامت و به

دلیل فراهم نشدن امکانات درمانی رایگان برای این گروه سنی، حدود 14 درصد از درآمد سالانه يك فرد سالمند برای درمان صرف میشود و هزینه‌های بیماری و به خصوص بستری در دوره سالمندی، دو الي چهار برابر بیشتر از ایام میانسالی و جوانی است.

وضعیت خدمات توانبخشی و توانمندسازی سالمندان که از وظایف سازمان بهزیستی کشور است هم، شرایط بهتر و قابل قبول‌تری ندارد. طبق اعلام اداره کل بهزیستی استان تهران، در حال حاضر ۴۳۰۰ سالمند در 70 مراکز شبانه‌روزی این سازمان حمایتی نگهداری میشوند اما در مقابل 70 مرکز شبانه روزی در استانی که رتبه اول جمعیت سالمند کشور را دارد، فقط 7 مرکز خدمات روزانه برای سالمندان داریم؛ مراکز خدمات روزانه، مراکزی برای سالمندان ساکن خانه است که در ساعات روز به این مراکز مراجعه کرده و خدمات ساده توانبخشی و تفریحی و توانمندسازی دریافت کنند. تعداد ناکافی مراکز توانبخشی روزانه در کل کشور، مصداق دیگری از کم‌کاری سنواری دولتی در توجه به «به‌زیستی» سالمندان است علاوه بر اینکه حتی خدمات مراقبت در منزل برای سالمندان هم کیفیت نازلی دارد. سال گذشته قرار بود مرکزی در آسایشگاه کهریزک برای اعزام مراقب به منزل سالمندان راه‌اندازی شود تا خانواده‌های دارای فرد سالمند که نیازمند دریافت کمک از يك مراقب همراه شبانه روزی یا روزانه هستند، به جای سرگردانی و توسل به شرکتهای خصوصی اعزام پرستار و بهیار یا سامانه‌های اعزام خدمتکار و نظافتچی منزل، به يك مرکز دارای صلاحیت مراجعه کرده و در قبال پرداخت هزینه‌ای که هیچ هم ارزان نیست، خدمات استاندارد مراقبت در منزل دریافت کنند و حتی سالمند تنها و مجرد هم بتواند برای بسیاری از امور شخصی خود از جمله خرید کالای اساسی و مایحتاج روزانه، رفت و آمد به مطب پزشک و بیمارستان یا حتی تردد در سطح شهر و اماکن عمومی، از مراقبان این مرکز کمک بگیرد. امروز وقتی در فضای وب، عنوان «مراقبت از سالمند» را جست‌وجو می‌کنید، صفحات بسیاری باز میشود و کارفرمای همه مراکز هم مدعی ارائه خدمات تخصصی توسط مراقبان آموزش دیده هستند ولی واقعیت این است که نه تنها در کل کشور هیچ مرکزی برای آموزش پرستار و بهیار و مراقب سالمند نداریم، افراد اعزام شده، جوانان جویای کار هستند که هیچ آموزشی در زمینه مراقبت از سالمند ندیده‌اند و به علت همین ناآگاهی، نه تنها رفتار با فرد سالمند را بلد نیستند، گزارش‌های متعددی هم تا امروز درباره سالمندآزاری، سرقت یا مفاسد اخلاقی افراد اعزام شده منتشر شده است.

مجموع این کمبودها، نشان می‌دهد که وضعیتی که امروز به عنوان

«بحران سالمندی» مورد هشدار کارشناسان حوزه سلامت و رفاه اجتماعی قرار گرفته، هیچ شباهتی به «غافلگیری» ندارد چون اسناد و قوانینی که از دو دهه قبل در قوه مقننه و مجریه تدوین و تصویب شد، چشم انداز روشنی از افزایش جمعیت سالمندان کشور در دهه اول قرن 15 شمسی ترسیم می‌کرد. علاوه بر سرشماری‌های مرکز آمار ایران که مبنای سیاست‌های جمعیتی کشور است، سند ملی سالمندی، قانون حمایت از افراد دارای معلولیت، برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه از جمله قوانینی هستند که حمایت اجتماعی و اقتصادی از جمعیت بالای 65 سال کشور را مورد تأکید قرار داده‌اند و برای دولت‌ها تکالیفی در قبال این قشر تعیین کرده‌اند. بین این مجموعه قوانین، سند ملی سالمندان که ابتدای سال 1400 به تصویب و ابلاغ نهایی رسید، با محوریت ارتقای سطح فرهنگی جامعه در خصوص پدیده سالمندی، توانمندسازی سالمندان، حفظ و ارتقای سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی سالمندان، تقویت حمایت‌های اجتماعی برای ارتقای سرمایه اجتماعی، توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز در امور سالمندی و تأمین منابع مالی پایدار برای نظام حمایتی از سالمندان، تکالیف صریح‌تری برای دولت‌ها تعیین کرده است.

با وجود این مجموعه مفصل که به نظر می‌رسد صرفاً نوشته‌های کاغذی برای تکمیل کارنامه دولت‌ها بوده، کارشناسان می‌گویند وضعیت سالمندان کشور در دومین سال از دهه 1400، به مراتب بدتر از سال‌هایی است که دولت تکلیف قانونی و صریحی درباره این قشر از جمعیت کشور نداشت و تنها عنوانی که برای وضعیت امروز می‌توان به کار برد، بی‌توجهی به حق شهروندی و انسانی سالمندان کشور است؛ جمعیتی که در ایام جوانی به رونق تولید و باروری کشور کمک کردند و حالا در سنین کهولت، تاریخ مصرفشان به پایان رسیده و از دایره نگاه دولت‌ها حذف شده‌اند.

هفته گذشته، احمد دلبری؛ مدیرعامل انجمن علمی سالمندی کشور، با حضور در یک برنامه تلویزیونی به نقد کم‌کاری دولت‌ها در توجه به حقوق شهروندی سالمندان ایران پرداخت و گفت: «ما این زنگ خطر را به صدا درآوردیم که افزایش امید به زندگی از 55 سال به 75 سال، به این معناست که شهروندان همزمان با افزایش عمر، نیازمند کیفیت بالاتر زندگی هستند. ایران در منطقه آسیا و حتی در کل دنیا بیشترین سرعت رشد جمعیت سالمند را داشته به این معنا که دو برابر شدن جمعیت سالمند در کشورهای توسعه یافته، حدود 100 سال و به‌طور مثال، در کشور فرانسه، 120 سال، در کشور سوئد، 90 سال و در کشور آمریکا، 75 سال طول کشیده در حالی که در ایران، جمعیت امروز

سالمندان ما که 10 درصد جمعیت کشور است، فقط در مدت 20 سال، دو برابر و حدود 20 درصد خواهد شد آن هم در کشوری که نوشتن سند ملی سالمندان 18 سال طول کشید و سه بار رونمایی شد و هنوز هم اجرای این سند به برنامه اقدام منتج نشده است. از سال 1410 بحران سالمندی در کشور ما آغاز میشود به این معنا که متولدین دهه 1350 در سال 1410 به سن بازنشستگی میرسند اما آیا صندوقهای بازنشستگی که هم‌اکنون 15 درصد بودجه عمومی کشور را به خود اختصاص داده‌اند، برای این جمعیت بازنشسته‌ای که به همین تعداد سالمندان فعلی اضافه میشوند، آمادگی دارند در حالی که همین امروز هم در وضعیت بحرانی هستند؟ امروز 25 درصد جمعیت هدف بنیاد شهید سالمند هستند و در سال 1410 تعداد این افراد سالمند و شامل جانبازان و والدین و خانواده شهدا، معادل 75 درصد جمعیت هدف بنیاد شهید خواهد بود. من به عنوان يك کارشناس، 7 سال دیگر 60 ساله می‌شوم اما می‌بینم که نه تنها آمادگی رویارویی با این جمعیت در سال 1410 را نداریم بلکه از قانون برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه در اجرای تکالیف مربوط به سالمندان عقب‌تریم علاوه بر اینکه در لایحه برنامه هفتم توسعه هم اسمی از سالمندان آورده نشده است.»

دلبری در ادامه صحبت‌هایش با تاکید بر ضرورت تبدیل بحث سالمندی به مساله حاکمیتی افزود: «با يك عقب‌ماندگی 60 ساله در تامین حقوق سالمندان مواجهیم و ضروری است که قوای سه‌گانه برای جبران این عقب‌ماندگی اقدام کنند چون مساله سالمندی، امروز به يك مساله ملی تبدیل شده است. به دنبال تغییرات فرهنگی و اجتماعی در جامعه، امروز با تاخیر ازدواج، افزایش سن ازدواج و کاهش فرزندآوری مواجهیم. با چنین شرایطی، در سال 1430 از هر سه نفر جمعیت کشور، يك نفر سالمند خواهد بود. امروز مقامات کشورهای توسعه‌یافته‌ای همچون سوئد که دولت رفاه دارد، می‌گویند با وجود زیرساخت‌هایی که برای جمعیت دو میلیون نفری افراد بالای 65 سال ایجاد کرده‌اند، با افزایش 20 درصدی جمعیت سالمندان کشورشان غافلگیر شده‌اند. در کشور سوئد، به ازای دو میلیون نفر جمعیت بالای 65 سال، هزار متخصص طب سالمندان دارند و خدمات متعددی توسط مددکاران و پرستاران آموزش دیده در اختیار سالمندان این کشور قرار می‌گیرد. در کشورهای توسعه یافته به ازای هر 17 سالمند، يك تخت آسایشگاهی و در کشور ما به ازای هر 640 سالمند يك تخت آسایشگاهی وجود دارد. امروز 90 هزار سالمند مجرد در کشور داریم و در سال 1430 تعداد این افراد به بیش از 2 میلیون و 500 هزار نفر افزایش می‌یابد.»

حسام‌الدین علامه از دیگر مهمانان این برنامه تلویزیونی بود و در نقد کم‌کاری دولت‌ها در زمینه تامین حقوق شهروندی سالمندان کشور

گفت: «امروز تعداد سالمندان ما حدود 11 درصد جمعیت کشور است که در سال 1410 این تعداد برای اولین بار به 14 درصد و تا 20 سال آینده به 33 درصد افزایش می‌یابد و ضروری است که مراقبان رسمی و غیر رسمی این جمعیت و همچنین، خانواده افراد سالمند، در تمام استان‌ها تحت آموزش قرار بگیرند. کشور ما، یک کشور توسعه یافته و مبتنی بر دولت رفاه نیست که زیرساخت‌ها برای مواجهه با این تعداد جمعیت سالمند آماده باشد. سالمندی جمعیت، هم می‌تواند یک فرصت باشد در شرایطی که فرهنگسازی کنیم و زیرساخت‌ها را فراهم کنیم تا این فرد سالمند، فعال باشد و سالمندی سالم و پویا و موثر و نقش‌آفرین داشته باشد اما از طرفی هم ممکن است تهدید باشد و به سونامی نقره‌ای یا خاکستری تبدیل شود به این معنا که برای دوره سالمندی متولدین دهه 1360 باید زیرساخت‌هایی فراهم شود تا از جهات اقتصادی و اجتماعی با مشکل مواجه نشویم. امسال شعار سازمان ملل برای روز جهانی سالمندان، حقوق بشر برای همه نسل‌ها بوده و چرا عنوان همه نسل‌ها مورد توجه سازمان ملل قرار گرفته؟ چون کشورهای توسعه یافته با نگاه چرخه زندگی به دوره سالمندی نگاه می‌کنند و می‌گویند اگر دولت‌ها، حقوق و رفاه افراد جوان و میانسال را فراهم کنند، این افراد در دوره سالمندی هم با مشکل زیادی مواجه نخواهند شد. در کشور ما، همین امروز مساله مسکن، یک مشکل برای افراد میانسال جامعه است و این افراد وقتی به سالمندی برسند چون دیگر همان شغل درآمدزا را هم ندارند، در حالی از کار افتاده می‌شوند که همچنان مستاجرند. با توجه به اینکه حدود 17 درصد سالمندان، به درجاتی از مراقبت نیاز دارند، شورای عالی بیمه، از همین حالا باید درباره اجرای بیمه مراقبت طولانی‌مدت اقدام کند. ما در کشورمان، بیمه تکمیلی اختصاصی و بسته درمان اختصاصی و بیمه خدمات در منزل برای سالمندان نداریم. هنوز قانونی نداریم که شهرداری‌ها و دهرداری‌ها را به ایجاد محیط دوستدار سالمند و سمن‌های سالمندی محله محور موظف کند. هنوز کارت منزلت سالمندی نداریم و دولت‌ها الزامی به تعیین مستمری سالمندی برای دهک‌های پایین جامعه ندارند. اگر برای رفع این کمبودها در قانون برنامه هفتم توسعه اقدام نشود، وقتی به دوره بحران سالمندی برسیم، کل کشور دچار مشکل خواهد شد.»

منبع: روزنامه اعتماد 17 مهر 1402 خورشید □